

تذکره درخششهای تیره در ملاحظات فلسفی در دین و علم

آرامش دوستدار

پانزده سال از انتشار نخستین چاپ این کتاب [درخشش های تیره] می گذرد. «چاپ جلد سفید» آن هم در تهران و دیگر شهرها به دست می آید. به این ترتیب درخششهای تیره در ایران نیز کتابی ست شناخته شده. این موفقیت را من دست کم نمی گیرم. اما احساسی که از این موفقیت در شرایط حاکم بر ایران به من دست می دهد، آمیخته ای ست از تأثرات گوناگون که مرزهای مثبت و منفی شان درهم می روند. درک هر احساس ممزوج و متغیر برای شخص دشوار است. بیانش به هر سان ممکن نیست. تذکره نیندیشندگی فرهنگی که با نام مفهومی دینخویی موضوعاً نخست در این کتاب به دست داده می شود و در کتاب *امتناع تفکر در فرهنگ دینی* مورد بررسی مشروح و تحلیلی قرار می گیرد، پیشتر در *ملاحظات فلسفی در دین و علم*، که بیست و شش سال پیش در تهران انتشار یافته، غیرمستقیم اما با وضوح تمام مطرح شده است. اما خود اندیشه بنابر توضیحی که در پیشگفتار چاپ دوم *ملاحظات فلسفی در دین و علم* (پاریس ۱۳۸۱) آمده در حقیقت به زمان تألیف آن کتاب در سال ۱۳۵۵ برمی گردد. به آسانی می توان دید که تذکره کانونی درخششهای تیره، یعنی نپرسیدن و نیندیشیدن ناشی از وابستگی به معنای «دینخویی»، پیشتر در *ملاحظات فلسفی در دین و علم* بطور غیرموضوعی اما به دفعات مطرح شده است. سه موردش را من در اینجا می آورم: «آنچه کسانی چون مولوی و حافظ بعنوان انسان دینی می گویند در واقع چون ناشی از پرسش و تفکر نیست، نه می تواند درست باشد و نه نادرست، بلکه فقط می تواند مفری برای بروز کلام باشد که منشأش قدسی است.» و «در پندار دینی، درست یا نادرست آن است که بر کلام الهی منطبق باشد. خارج از پندار دینی، درست یا نادرست فقط گفته ای می تواند باشد مبتنی بر دید علمی یا بر تفکری که در عطفیت خود بر یک امر، آن امر را آنطور که هست دریابد یا درنیابد.» و سرانجام: «کلام گفته ای است که از پرسش بر نمی خیزد، بلکه از ضمیر علیم الهی برمی آید.» ... «چون کلام... هرگز پاسخ به معنای تفکر نیست که در پی پرسش... حاصل شده باشد... ضرورتاً نمی تواند نادرست باشد» (*ملاحظات فلسفی در دین و علم*، ۲۸، چاپ دوم، پاریس ۱۳۸۱). از زمان نوشتن این سطور سی سال می گذرد. از آن زمان تا هم اکنون من درباره تذکره نامبرده بطور کانونی اندیشیده ام. حاصل آن در مقالات متعدد و در کتاب *امتناع تفکر در فرهنگ دینی* به چاپ رسیده است. این کتاب آخری را نیز مخفیانه در تهران چاپ کرده اند. با وجود اینگونه موفقیت که کمتر نصیب کتابی می شود، برای خود من این پرسش بیش از پیش به قوت خودش باقی می ماند که این قطره آب در آن جهنم اسلامی چه تأثیری از نظر فرهنگی و اجتماعی می تواند داشته باشد. انتلکتوئل هایش یا مجلسی اند و دوره گرد و با عرضه افکار مشعشعشان آخر شب راضی از خود و مجلس به خانه شان برمی گردند، یا در فکر کسب شهرت بیشترند و در انتظار اینکه چندمین کتابشان این آرزو را بر آورد، تا نوبت به اثر بعدی برسد.

درخششهای تیره، کلن، ۲۰۰۷

از نویسنده و ناشر این متن کسب اجازه شد. / نقل بدون اجازه مؤلف ممنوع است.